

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

# ایسکرا

# ۸۰۵

Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵ تلفن تماس با ما

۲۰ آبان ۱۳۹۴، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵

سردبیر عبدالگیریان

## مراسم گرامیداشت یک رهبر محبوب کارگری کوروش بخشنده سندج سرخ یک بار دیگر راه نشان داد



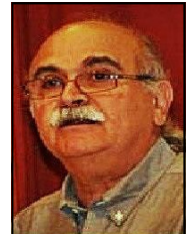
محمد آسنگران

پرچم سرخ پاسخ منفی میدهند، باید این حقیقت را بارها تاکید کنیم که وجود چپ و کمونیسم در کردستان نه محدود به چند فعال سیاسی و حزبی، بلکه یک جنبش اجتماعی و گسترده در ابعاد کل جامعه است و هر روز ابعاد و ریشه این جنبش وسیعتر و عمیقتر میشود. صفحه ۳

هنگامیکه تحت حاکمیت اسلام و جمهوری اسلامی مراسم بزرگداشت یک فعال کارگری با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت با پرچم سرخ آغاز میشود و هنگامیکه با حضور هزاران نفر در این مراسم، مردم به فشار سنگین نیروهای امنیتی و اطلاعاتی برای برچیدن عکس کوروش بخشنده و

## توهین به ترک زبانان "بی دقتی" نیست!

بخاطر "بی دقتی و سهل انگاری" برکنار کرد. اما این نوع "بی دقتی" ها یک کار همیشگی رسانه های جمهوری اسلامی است. مشکل بی دقتی مسئولین نیست بلکه سیاستهای تفرقه افکنانه و تبعیض آمیز جمهوری اسلامی است. اسلام حکومتی هم سنخ و همراه ناسیونالیسم عظمت طلب فارس است و اعمال تبعیض و تفرقه افکنی ملی مکمل تبعیض مذهبی جمهوری اسلامی است. صفحه ۲



حمید تقوایی

بدنبال توهین مبتذل و وقیحانه شبکه دو تلویزیون جمهوری اسلامی به ترک زبانان مدیر این شبکه مسئول تهیه برنامه مربوطه را

## حزب دمکرات کردستان و "انتخابات" در ترکیه



نسان نودینیان

عنوان "حزب دمکرات کردستان: برداشت و خوانش ما در رابطه با نتایج انتخابات پارلمانی ترکیه" بیانیه ای صادر کرده است. بدون شک نتایج انتخابات زودرس در ترکیه یکی از موضوعات مهم در منطقه خاورمیانه است. پرداختن به آن عرصه ای مهم برای احزاب سیاسی است. صفحه ۲

میراث دیرینه حزب دمکرات کردستان (یکی از دو شاخه حزب دمکرات در کردستان ایران) "دلالتی" و "بازی در معادلات منطقه ای"، اینبار با بیانیه سیاسی این حزب، حزب دمکرات کردستان، تازه شد. دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان بتاريخ ۵ آبان ۹۴ تحت

## تحقیر و توهین فاشیستی جمهوری اسلامی علیه مردم ترک زبان شدیدا محکوم است!



آذربایجان دست به اعتراضات گسترده بر علیه این سیاست کثیف جمهوری اسلامی زدند. در این تظاهراتها دهها هزار نفر در شهرهای

بدنبال پخش یک برنامه از شبکه دوم صدا و سیمای جمهوری اسلامی که در آن مردم ترک زبان تحقیر میشوند و مورد توهین قرار میگیرند، مردم در شهرهای

صفحه ۵

## اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

که آن جریاناتی که مشغول میانجیگری بودند، از ما خواستند که این کار را بکنیم. در هفته های گذشته روابط میان حزب دمکرات و بقیه جریانات تشکیل دهنده حکومت و بویژه جنبش گوران وارد فضای بسیار خصمانه ای شده بود و حزب دمکرات با قلدری تمام هم

حزب دمکرات تبلیغات جنگی را متوقف می کند! روز هشتم نوامبر جمال فه قی معاون روابط عمومی حزب دمکرات کردستان عراق اعلام کرد که: "برای اینکه مردم کردستان بدانند که حزب دمکرات صلح طلب است، ما از امشب جنگ تبلیغاتی را متوقف می کنیم، چرا

صفحه ۶

## کوروش بخشنده یکی از چهره های شناخته شده جنبش کارگری قلبش از کار باز ایستاد!

صفحه ۳

## صبری آشناگر یکی دیگر از فعالین شهر سندج از میان ما رفت

صفحه ۶

## نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ حزب دمکرات کردستان و...

صورت مساله؛ بیانیه دفتر سیاسی ح.د.ک (حزب دمکرات کردستان) آزادی "انتخابات". در شرایطی که دولت ترکیه به کثیف ترین جنایات و سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه و بدترین نوع فساد مشغول است حزب دمکرات از انتخابات "آزاد" مهندسی شده توسط اردوغان مشغول درس گرفتن و تجربه صادر فرمودن برای مردم کردستان ایران است. اینها واقعا هزار سال از جامعه عقبند. در بیانیه آمده است؛ "انتخابات در ترکیه از چند لحاظ برای حزب دمکرات کردستان و مردم شرق کردستان مهم و قابل تأمل است. پیش از هر چیز از این لحاظ که ترکیه به عنوان یکی از کشورهای همسایه ایران، تجربه متفاوتی در مقایسه با کشور ما در خصوص انتخابات آزاد و چند حزبی دارد و نقاط مثبت و منفی دمکراسی این کشور برای کشورها و خلقهای محروم از دمکراسی و انتخابات آزاد در این منطقه، می تواند حاوی درسها و تجارب ارزشمندی باشد".

گریز ح.د.ک از نتایج انتخابات ۱۷ ژوئن امری آگاهانه و به گفتمان دلالتی این حزب در چارچوب ائتلاف منطقه ای با حزب دمکرات کردستان عراق و دولت اردوغان گره زده شده است.

موقعیت تضعیف شده حزب اسلامی "عدالت و توسعه" و پیروزیهای جدی حزب اتحاد دمکراتیک خلقها در انتخابات قبلی همه آرزوهای مالیخولیایی اردوغان برای بازگرداندن امپراطوری عثمانی را بر باد داد. آرزوی یک رئیس جمهور مقتدر بر راس یک دیکتاتوری پارلمانی بر باد رفت. حزب اردوغان دارای سیاه ترین کارنامه در ترکیه است. حزبی که در کنار فساد اقتصادی اش پرونده همکاری با داعش را هم زیر بغل دارد و مخصوصا در میان مردم کرد زبان و اقشار آزادیخواه و سکولار ضد داعش منفورتر شده است. با عملیات همزمان علیه پ.ک.ک و داعش محافل و احزاب ناسیونالیسم ترک و هواداران شان را به سمت خود جلب کرد. با پاشیدن خون به اعتراضات مردم و با کنترل پلیسی

ناراضیاتی نسبت به بکارگیری خشونت از سوی حزب کارگران

کردستان و تأثیرات این نیرو بر H.D.P است". فلسفه سیاسی بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات در پاراگراف بالا قابل مشاهده است. بیانیه دفتر سیاسی ح.د.ک کاهش آرا H.D.P را نتیجه خشونت طلبی حزب کارگران کردستان P.K.K میداند. بررسی مواضع P.K.K مورد نظر این نوشته نیست. انتخابات ۱۷ ژوئن و ناکامی سیاسی - پارلمانی اردوغان و تلاشهای بی وقفه او برای دستیابی به شرایط انتخابات زود هنگام حاصل خشونت طلبی P.K.K و حمایتهای حزب دمکراتیک خلقها از P.K.K نیست. پروژه اردوغان تحمیل پروژه انتخابات زود هنگام و سرازیر شدن آرا به صندوق ها و دستیابی حزب "عدالت و توسعه" نتیجه سیاست دیکتاتوری نظامی و نا امنی در ترکیه است که اردوغان و هم مسلکهای او در حزب عدالت و توسعه در پیش گرفته بودند. فضای رعب و وحشت، سرکوب اعتراضات جوانان در آنکارا و استانبول، بستن تعدادی از تلویزیون ها و روزنامه ها، بمب گذاری در شهر و لشکرکشی به مناطق کوهستانی قنبدیل، بمباران بی وقفه مردم در این مناطق، در کنار بکارگیری مافیای اقتصادی برای به سرانجام رساندن پروژه اردوغان و نتایج مطلوب برای او و حزب متبوعش، است. کجراه بیانیه البته اتفاقی نیست. و البته تحت تاثیر درگیری های چند ماه گذشته حزب دمکرات کردستان ایران با P.K.K قرار دارد. اما نکته اصلی ائتلاف و تبدیل شدن این احزاب دو شاخه حزب دمکرات کردستان ایران به ستون پنجم دولت ترکیه و حزب دمکرات کردستان عراق (حزب بارزانی) است.

نتیجه؛ : حزبی که سرکوب مردم، بمباران مناطق پ.ک.ک که در این دوره اعلام آتش بس کرده و دستگیری وسیع هواداران این حزب را که به منظور ایجاد فضای ارعاب در جامعه صورت گرفته را رها میکند و یک طرفه به پ.ک.ک حمله میکند فقط نشان میدهد که تا چه اندازه این حزب از قماش همان اردوغان ها است. کرد کردن احزاب ناسیونالیست هم همیشه همین بوده

## از صفحه ۱ توهین به ترک زبانان...

فارس و ترک و عرب و کرد، برای حکومتها نفرت پراکنی بین مردم منتسب به اقوام و ملیتهای مختلف است و تنها در صورت مقابله با همه جریانات ناسیونالیستی میتوان اتحاد و همبستگی بین توده مردمی که کوچکترین منفعتی در اعمال تبعیض و ستم ملی و تفرقه افکنی های ناسیونالیستی ندارند را حفظ و پاسداری کرد. راه مقابله با توهین و تحقیر تلویزیون جمهوری اسلامی علیه مردم ترک زبان تبلیغات ضد فارس نیست، مقابله با تفرقه افکنی های ملی از جانب همه ناسیونالیستها است.

۹ نوامبر ۱۵



یک رکن تبعیض و ستم ملی در ایران تحقیر و تمسخر زبان و فرهنگ "غیر فارسیها" است و این امر بخصوص در رابطه با مردم آذربایجان و دیگر شهروندان ترک زبان وسیعا رواج دارد. نه تنها ترک زبانان بلکه همه شهروندان و همه فعالین و نیروهای مترقی و آزادیخواه باید در برابر این جلوه همیشگی تبعیض و نفرت پراکنی میان بخشهای مختلف جامعه بایستند. این امر بخصوص برای مقابله با فاشیسم آذری که روی دیگر سکه فاشیسم و نژاد پرستی فارس است، ضرورتی حیاتی دارد. یک کارکرد و مورد استفاده ناسیونالیسم در قالبهای مختلفش، اعم از ناسیونالیسم

است. نه اینکه منافع واقعی مردم کرد زبان مد نظرشان باشد بلکه بسته به شرایط همیشه جانب این دولت و آن دولت را گرفته اند و این استراتژی سیاسی همیشگی همه احزاب ناسیونالیست کرد بوده است. حزب دمکرات کردستان با لبیک گفتن به دیکتاتورها کارنامه "روشن" ی دارد. یک بار برای گرفتن خودمختاری به خمینی لبیک گفت و اینبار برای تشدید هم پیمانی منطقه ای خود به دیکتاتور اسلامی

اردوغان لبیک گفته است. پروژه اردوغان سیاه و خونین است. لبیک بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات به این پروژه محکوم است. بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان اعلام تیپیک موضع سیاسی احزاب ناسیونالیست است که در بازی های منطقه ای شغل نامیمون دلالتی را پیشه میکنند.

۱۶ آبان ۹۴

۶ نوامبر ۲۰۱۵

## از صفحه فیسبوک نشریه ایسکرا دیدن کنید

<https://www.facebook.com/iskara.wpi/>





مردم در این مراسم با حضور پرشور خود برای پاسداشت مبارزه و فداکاری يك فعال كمونیست، يك فعال كارگری و يك انسان برابری طلب، پیام دادند که رهبران لایق و روشن بین خود را می شناسند و به زندگی و فعالیت‌های این عزیزان ارج می نهند .

مردم سنجندج با خواندن سرود انترناسیونال و برافراشتن پرچم سرخ در این مراسم کوروش بخشنده را بدرقه کردند. با این اقدام خود يك بار دیگر تاکید کردند که حاکمان اسلامی و ناسیونالیست‌های ایرانی و جریان‌ات قومپرست و مذهبی محلی در میان آنها جایی ندارند .

این شهر به دلیل وجود يك جنبش اجتماعی چپ و کمونیست در مقاطع مختلف قطب نمای جامعه بوده و جهت رهایی آتی جامعه ایران را قبل از همه به شکل اجتماعی نمایندگی کرده است .

مردم سنجندج در روز ۱۵ آبان ۱۳۹۴ پیام روشنی به مردم منطقه که اسیر جنبش تروریست اسلامی هستند فرستادند. آنها با اقدام مدرن و پیشرو خود در این مراسم اعلام کردند ما نه تنها تسلیم زورگویی‌های جریان‌ات اسلامی تروریست و

سنت‌های ارتجاعی اسلامی نشده و نمی‌شویم بلکه اعلام می‌کنیم که راه رهایی مردم در این منطقه و جهان از راه قدرت گیری جنبش چپ و انسان‌گرا عبور میکند .

شهر سنجندج از مقطع انقلاب سال ۵۷ با حضور و عروج کمونیست‌ها به عنوان يك جنبش اجتماعی که رفیق عزیزم صدیق کمانگر در این مقطع نقش تعیین کننده ای در آن داشت، ابتدا در مقابل جریان ارتجاعی مفتی زاده در دل انقلاب و بعدا در جدال همیشگی

ایران چنان توده ای و اجتماعی شده است که جمهوری اسلامی را در ابعادی وسیع به چالش طلبیده است. اینها تنها نمونه‌ها و سنت‌های معین و برجسته ای است که برای شناخت از تاثیرات جنبش چپ و کمونیسم در کردستان یادآور شدم .

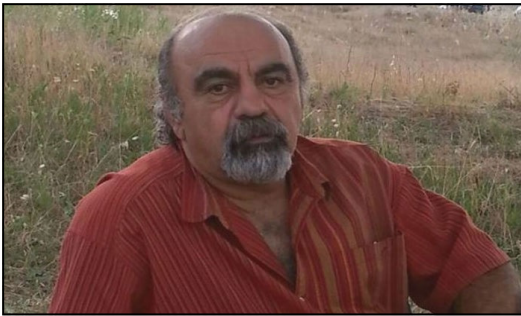
اما ابعاد و عمق تاثیرات جنبش و سیاستی که امروز در کردستان به شکل اجتماعی و برجستگی خود را در سنجندج نشان میدهد بسیار بیشتر و همه جانبه تر است. از هموار کردن راه برای مسلح شدن زنان در جنبش‌های پارتیزانی در اوایل دهه ۶۰ شمسی گرفته تا نقد و بی اعتبار کردن جریان‌ات مذهبی و اسلامی و نقد جنبش ناسیونالیستی و عروج جنبش کارگری تا نقد کلمه و عبارت "شهید" که ترمی اسلامی و مذهبی است و تا معرفی شدن فعالین و

رهبران چپ و کارگری و ..... همه و همه از دستاوردهای این جنبش مدرن و چپ اجتماعی و کارگری است. همینکه امروز همه ما با چهره محبوب کسانی مثل کوروش بخشنده آشنا هستیم و از قبل همه ما او را میشناختیم و او را نه شهید بلکه یکی از جانباختگان جنبش کارگری و سوسیالیستی مینامیم،

نتیجه يك جدال سیاسی مهم در ایران و در تاریخ چپ ایران است. جنبش کمونیستی و فعالین این جنبش برای جا انداختن هر قدم از این دستاوردها زحمت کشیده و تلاش شبانه روزی داشته اند. همینکه چهره‌ها و رهبران کارگری و کمونیست هم همانند رهبران و سخنگویان جنبش‌های بورژوازی مذهبی و ناسیونالیستی باید شناخته شده باشند و مردم رهبران لایق خود را بشناسند خود نتیجه يك جدال سیاسی و اجتماعی بوده است.

امروز با غم و درد يك رهبر خوشفکر و خوشنام کارگری را بدرقه کردیم، نام و یاد او در تاریخ جنبش برای رهایی و آزادی مردم ایران باقی خواهد ماند هم بعنوان يك رهبر کارگری و هم به عنوان يك فعال کمونیست که در مراسم بدرقه اش مردم سنجندج سرخ، در اوج توحش اسلامی در ایران و منطقه به همگان پیام دادند، تنها راه نجات بشر همبستگی بین المللی و سرنگون کردن بساط مفتخوران و سرمایه داران و حرکت بسوی سوسیالیسم است .

## کوروش بخشنده یکی از چهره های شناخته شده جنبش کارگری قلبش از کار باز ایستاد!



مهر ۱۳۹۴ شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنجندج او را به دو سال حبس تعزیری محکوم کرد. جرم کوروش بخشنده همانند دیگر فعالین کارگری این بود که از حقوق خود و هم طبقه ایهایش دفاع کرده بود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران درگذشت این فعال کارگری و چهره محبوب مردم کردستان را به همه آزادیخواهان، به خانواده و بستگان این عزیز و به همه کارگران و هم طبقه ایهای کوروش تسلیت می‌گوید.

کوروش یار و یاور کارگران و همه زحمتکشانش بود. کوروش یکی از چهره های جنبش کارگری و چپ اجتماعی بود که در سخت ترین شرایط جسمی هم لحظه ای از فعالیت برای آزادی و برابری باز نایستاد.

یاد و خاطره این فعال کارگری برای هزاران و میلیونها انسان آزادیخواه همیشه زنده خواهد بود.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ نوامبر ۲۰۱۵

۱۴ آبان ۹۴

کوروش بخشنده فعال شناخته شده جنبش کارگری صبح امروز پنجشنبه ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۹۴ بر اثر ایست قلبی در سنجندج جان باخت. کوروش بخشنده عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و عضو کمیته دفاع از فعالین کارگری مه‌آباد بود. این فعال کارگری از مدت‌ها پیش از بیماری قلبی رنج می‌برد. او قبلا در بیمارستان رجایی تهران يك بار قلبش مورد جراحی قرار گرفته بود. بعد از این عمل سخت کوروش بخشنده همچنان تحت نظر پزشکان معالج بود. اما فشار نیروهای امنیتی و دستگیری و محاکمه پی در پی این فعال کارگری در سنجندج عملا او را در شرایط سختی قرار داده بود و مرگ ناگهانی او بر اثر ایست قلبی در چنین شرایطی اتفاق افتاد که جمهوری اسلامی او را حتی در دوران نقاهت هم آرام نگذاشت.

این فعال کارگری در چند سال اخیر بارها بازداشت، زندانی و شکنجه شد و مورد تهدید قرار گرفت. چنانچه در همین اواخر اسفند ماه ۱۳۹۳ بازداشت شد و پس از گذشت دو ماه، اردیبهشت ۱۳۹۴ با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. سپس در

اتحاد و يك پارچگی همه فعالین کارگری و فعالین جنبش‌های انقلابی دفاع از حقوق مدنی در مراسم کوروش بخشنده، میتواند ادامه دار و ستون فقرات جنبش برای رهایی مردم باشد. باید این اتحاد و همبستگی را پاس بداریم و برای تحکیم و وسعت دادن به آن تلاش کنیم همه نیروهای چپ و کمونیستی که خود را در مقابل جمهوری اسلامی و همه تروریست‌های اسلامی

می‌بینند و منتقد جریان‌ات قومی و ناسیونالیستی در ایران هستند باید این جهت و سیاست را تقویت کنند و در جهت قدم بردارند .

مردم ایران و مردم منطقه خاور میانه امروز بیش از همیشه نیازمند اتحاد کمونیست‌ها و چپ‌ها و سکولارها و همه نیروهای انقلابی ضد جنبش اسلامی هستند.

۶ نوامبر ۲۰۱۵

## نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانلی

### دولت روحانی و حکم اعدام برای نوجوانان

دادگاه انقلاب بوکان حکم اعدام آسو سهرابی را به خانواده اش ابلاغ کرده است. آسو سال ۹۱ زمانی که تنها کمتر از ۱۷ سال سن داشت به قتل یک شهروند بوکانی متهم گردید. صدور حکم قصاص نفس برای این جوان در حالیکه سن مجازات کیفری کودکان برای پسران ۱۵ سال و برای دختران ۹ سال می باشد. کنوانسیون حقوق کودک اعدام افراد کمتر از ۱۸ سال را ممنوع اعلام کرده است.

### کمبود سوخت وسایل گرمای در مدارس ناه

مدارس شهرستان بانه با نبود سوخت وسایل گرمای مواجه اند و دانش آموزان در سرمای زمستانی به تحصیل مشغولند. درخواست سوخت رسانی به سیستم گرمایشی مدارس تاکنون از سوی مسئولان آموزش و پرورش بی پاسخ مانده و بحث صرفه جویی در مصرف انرژی را عنوان می کنند.

### همچنان با معالجهی زینب جلالیان در خارج زندان مخالفت می شود

در حالیکه زینب جلالیان زندانی سیاسی هشتتین سال حبس خود را در زندان خوی سپری می کند به بیماری برفک دهان مبتلا شده و علیرغم درخواست های مکرر برای معالجه پزشکی در خارج از زندان، مسئولان قضایی و امنیتی با انتقال وی جهت معالجه پزشکی مخالفت می کنند. زینب جلالیان از ناحیه چشم دچار بیماری گردیده و با محدودیت ملاقات های هفتگی خود روبرو می باشد. هرانا در این باره اعلام کرده است: "این محدودیت ها در زندان توسط نیروهای امنیتی و مسئولان زندان انجام می گیرد."

### ویژه جعفر عظیم زاده جعفر عظیم زاده برای اجرای حکم شش سال حبس به زندان رفت!

بر اساس ابلاغیه شعبه اول اجرای احکام کیفری دادسرای ناحیه ۳۳ اوین، جعفر عظیم زاده دبیر هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران امروز یکشنبه ۹۴/۸/۱۷ ساعت ده صبح برای تحمل شش

هنوز از شوک خبر مرگ شاهرخ زمانی بعد از تحمل پنج سال زندان به جرم دفاع از حقوق انسانی کارگران بیرون نیامده بودم که خبر دستگیری علی نجاتی، ۹ سال محکومیت محمود صالحی در دادگاه بدوی، حکم زندان زنده یاد کورش بخشنده و در ادامه با کمال ناباوری ابلاغیه دادگاه اجرای احکام مبنی بر اجرای شش سال زندان قطعی جعفر عظیم زاده به دستمان رسید. کارگری که در طول سالیانی که با ایشان آشنا شدم لحظه ای از اعتراض به آوار فجایی که هر روز بر سر ما کارگران خراب میشود دست برنداشت و همه توانش را برای پیشبرد اهدافش، که چیزی جز بهبود شرایط کار و زیست کارگران نبود به کار بست. روزی که در اواخر سال ۱۳۸۷ با اتحادیه آزاد کارگران ایران از طریق وی آشنا شدم آنان در تلاش برای جمع آوری طوماری اعتراضی بر علیه تحمیل حداقل مزد ناچیز در سراسر کشور بودند. منکنه در طول زندگیم به عنوان یک کارگر و نماینده آنان در شورای اسلامی کارخانه صنایع فلزی تشکلی جز تشکلهای دست ساز دولتی ندیده بودم و بدلیل ماهیت ضد کارگری این نوع راهی برای دفاعی جانانه و واقعی از حقوق خود و همکارانم قرار داشتم، باورم نمیشد که کارگرانی با تحمل هزینه های فراوان پا به میدان گذاشته باشند و خواست و آرزوی هم طبقاتیهایشانرا که خواهان تشکلات مستقل و آزاد بوده اند تحقق بخشند، تشکلهایی که بدون وابستگی های جناحی و حکومتی خواسته های واقعی ما کارگران را بدون تخفیف نمایندگی کنند. در سال ۹۱ وقتی همه ما در اتحادیه از تحمیل حداقل مزد خفت بار بشدت ناراحت بودیم این جعفر عظیم زاده بود که سامان دادن طومار اعتراضی بر علیه تعیین مزد و شرایط به غایت وحشتناک کارگران را پیشنهاد داد و طومار اعتراضی ۴۰ هزار نفره کارگران بر علیه دستمزدهای زیر خط فقر شکل گرفت. در گیر و دار اعتراض به حداقل مزد و تلاش برای رساندن صدایمان به گوش حکومتیان بودیم که در کش و قوس دعوای جناحی، پرونده اختلاس میلیاردری یکی از مدیران تامین اجتماعی

(سعید مرتضوی) رونمایی شد. باز این جعفر عظیم زاده بود که پیشنهاد طرح شکایت از غارت صندوق تامین اجتماعی را مطرح کرد و در فرصت بسیار محدودی در هفته های آخر سال ۹۲ به همراه ۵ نفر دیگر به نمایندگی از هزار کارگر با انتخاب دکتر خلیل بهرامیان به عنوان وکیل دست به شکایت زدیم. جعفر هیچ توهمی نسبت به این مسئله که به این شکایت رسیدگی عادلانه نخواهد شد نداشت با اینحال بر این نکته تاکید داشت که به صرف اینکه ممکن است رسیدگی عادلانه ای به شکایت ما نشود ما نمی توانیم دست روی دست بگذاریم. این اموال ما در صندوق تامین اجتماعی است که به غارت رفته است بنا بر این اگر هیچ کاری از دست مان بر نمی آید و نمی گذارند در صفتی هزاران نفره در خیابانها دست به اعتراض بزیم خود نفس این شکایت یک نوع اعتراض تلقی می شود. می گفت بگذار دزدان بدانند که ما حداقل نسبت به غارت دستنرخ مان بی تفاوت نیستیم. آری این جعفر عظیم زاده بود که ایده اعتراض به حکم شلاق بر علیه چهار کارگر پتروشیمی رازی را مطرح کرد و...، وقتی اتهامات جعفر و مصادیق آنها را در حکم صادره خواندم از اماندگی کسانی که برای تحمیلی ما کارگران اتهاماتی از قبیل اقدام علیه امنیت ملی برابه چنین انسان شریفی وارد می کنند در بهت و حیرت فرو رفتم چرا که متوجه معنای واقعی اتهام اقدام علیه امنیت ملی شده بودم. متوجه شدم که در این مملکت جمع آوری طومار اعتراضی برای افزایش حداقل مزد، شکایت از غارتگران، ایجاد تشکل مستقل، اعتراض به صدور حکم شلاق بر علیه کارگران و اعتراض به فقر و فلاکت از نظر حکومت اقدام علیه امنیت ملی است. متوجه شدم که در نزد اینان اقدام علیه امنیت ملی چه معنایی دارد. اقدامات جعفر عظیم زاده و همراهانش تنها امنیت مفت خورانی را که با به سکوت کشاندن کارگران در امنیت کامل به اختلاس و دزدیهای شان میپرداختند به خطر انداخته بود و لاغیر. طومار اعتراضی ۴۰ هزار نفره کارگران، شرایط و امنیت را برای دزدانی که میخواستند هر ساله بیش از پیش حداقل مزد را منجمد کنند سخت

تر کرد و انعکاس فوق العاده این اعتراض در رسانه ها و افکار عمومی، ترس و وحشت در صفوف آنانرا به انداخت و امنیت شان را به مخاطره افکند. بله جعفر عظیم زاده، این کارگر معترض و آگاه، امنیت غارتگران و استثمارگران را به خطر انداخته بود و باید محبوسش میکردند تا در امان باشند تا قادر به تداوم غارت و چپاول دستنرخ ما کارگران باشند. اما اینان از یک چیز غافل اندو آن اینکه به زندان انداختن جعفر و جعفرها راه به جایی نخواهد برد. چرا که طی ۳۷ سال گذشته چنان شرایط مشقت باری بر میلیونها کارگر در ایران تحمیل شده است که دیگر کارد به استخوان همه ما کارگران رسیده است. اینان سخت در اشتباهند که گویا می توانند هم بردگی و فلاکت بی پایانی را بر ما کارگران تحمیل کنند و هم مهر سکوت و تمکین بر زبانمان بزنند. دیگر هیچ کارگری حتی ذره ای تاب تحمل شرایط موجود را ندارد و دور نیست روزی که جعفر و جعفرها با مبارزات هر دم گسترده تر ما کارگران بر روی دستهایمان از زندان آزاد شوند. ننگ به زندان افکندن کارگران بدلیل خواست افزایش مزد، بدلیل اعتراض به فقر و فلاکت و بدلیل عدالت خواهی و برابری طلبی برای ابیدیت بر پیشانی طراحان و مجریان چنین سیاستهایی باقی خواهد ماند. ۹۴ آبان ۹۴

### ناهد خداجو، عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران!

### در مورد احضار و زندان رفتن جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه.

وقتی خبر احضار جعفر عظیم زاده یکی از کارگران معترض و سازش ناپذیر عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را شنیدم قبل از هر چیز این مسئله به ذهنم خطور کرد که این چه دنیائی است که باید کارگران ایران به جرم تلاش برای بهبود زندگی و معیشت شان مورد تهاجم قرار بگیرند و با اتهاماتی واهی و سنگین، محاکمه و زندان نیز بر فقر و فلاکت شان افزوده شود. لحظه ای به یاد دیگر کارگران و رهبران کارگری سراسر کشور افتادم و بهنام ابراهیم زاده و رضا شهابی و

## از صفحه ۴ نگاه هفته مجموعه اخبار ...

شاهرخ زمانی و محمد جراحی و کارگران معترض خاتون آباد که برای لقمه ای نان به گلوله بسته شدند تا کارگران بافت و پلی اکریل اصفهان و کارگران پتروشیمی های ماهشهر و لاستیک البرز که یک شبه ۳۰۰ نفرشان را دستگیر کردند تا کارگران صنایع فلزی و واکن پارس تا فرش البرز و پارس و کارگران شورای موقت ذوب آهن اصفهان و غالب و خالد حسینی و وفا قادری و محمود صالحی و محمد عبدی پور و برهان دیوارگر و سعید ترابیان و داود رضوی و حسن سعیدی و ابراهیم مددی و منصور اسالو و ...، و نزدیک به هزار کارگر شرکت واحد تهران که بدلیل اعتصاب در سال ۱۳۸۴ دستگیر شدند تا همکارانم در اتحادیه آزاد کارگران ایران از صدیق کریمی و شیت امانی و شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا تا جمیل محمدی و جوانمیر مرادی و خالد سواری و ۱۳ کارگری که در سال ۱۳۸۶ در روز جهانی در شهر سنجند دستگیر و به زندان و شلاق محکوم شدند تا کارگران ایرانخودرو و کارگران معترض شاهو و ریسندگی پریس تا اعضای کمیته هماهنگی و کمیته پیگیری و کانون مدافعان حقوق کارگر و انسانهای عزیز دیگری که در جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی به زندان افکنده شدند و شرایط سختی را تحمل کردند افتاد و طبیعتاً به خود آدم و همچون همیشه بار دیگر این واقعیت تلخ بر دوش سنگینی کرد که متأسفانه ما کارگران در جامعه ای زندگی میکنیم که هر صدای حق طلبانه ای را همیشه سرکوب و صاحبان این نوای روح انگیز انسانی را دستگیر و به زندان محکوم کرده اند تا آنها را وادار به عقب نشینی از مطالبات بر حق شان بکنند، غافل از اینکه معیشت و برخورداری از رفاه و تلاش برای برخورداری از یک زندگی انسانی هیچگاه تعطیل پذیر نبوده است. به همین دلیل هم است که میگویم حامیان سرمایه با اینهمه سرکوب و زندان و دار و درفش آیا توانسته اند اعتراضات و اعتصابات و تجمعات کارگران را مهار کنند؟ آیا توانسته اند تلاش کارگران و زحمتکششان را برای برخورداری از یک زندگی انسانی

بالا و در نهادهای به نام شورایی کار تعیین میکنند. جرم جعفر این است که هر کجا صدای اعتراض کارگری بلند شده است وی به عنوان کارگری که هم طبقه ای هایش را به خاک سیاه نشانده اند همصدایی کرده است. جعفر عظیم زاده ایجاد تشکلهای مستقل کارگری را سر لوحه اقدامات حق طلبانه خود میدانند تا کارگران قادر به ابراز اعتراض متحدانه نسبت به تحمیل بی حقوقی و ستم بر خود شوند تا از این طریق هستی به گرو گرفته شده میلیونها انسان از دست اقلیتی ناچیز و مفتخور باز ستانده شود. وی ایده پرداز ایجاد کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری و یکی از بانیان این تشکل و سپس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و نهایتاً اتحادیه آزاد کارگران ایران است. جعفر یکی از نماینده های هزار کارگری است که با دادن وکالت به دکتر خلیل بهرامیان شکایتی را علیه غارت و چپاول صندوق سازمان تامین اجتماعی مطرح کرده اند. حق جعفر و میلیونها کارگر است که نسبت به غارت و چپاول صندوقی اعتراض کنند که قبل از دریافت دستمزدشان حق بیمه از حقوق ناچیزشان سالهای سال کسر شده و برای دوران پیری و از کار افتادگی در صندوق این سازمان ذخیره شده است. اگر کارگر میدانند و می فهمد کجا و چگونه هستی و دسترنج ناچیزش به بغما رفته است بسیار طبیعی نیز هست که نسبت به این غارت مغول وار اعتراض کند و با صدای رسا آترا به گوش حاکمان و افکار عمومی برساند. این حق را هیچکس نمیتواند از ما کارگران بگیرد. لذا بنویس خود اعلام میکنم دولت و کارفرمایان باید بدانند که محاکمه و زندانی کردن رهبران کارگری چیزی نیست که براحتی از گلویشان پایین برود اینان باید بدانند محاکمه جعفر عظیم زاده محاکمه حق ما کارگران برای یک زندگی انسانی است و آنان با چنین محاکماتی چه در مورد جعفر و چه در مورد دیگر کارگران معترض راه به جایی نخواهند برد چرا که زندگی و تلاش برای برخورداری از معیشتی شرافتمندانه و انسانی تعطیل بردار نیست، چرا که دیگر ما کارگران تحمل اینهمه بی حقوقی، نابرابری و دزدی از جیب و سفره هایمان و

## از صفحه ۱ تحقیر و توهین فاشیستی ...

تبریز، ارومیه، اردبیل، زنجان، مشکین شهر و خوی با تظاهرات خیابانی به این سیاست تفرقه افکنانه و به تحقیر و توهین راسیستی و فاشیستی جمهوری اسلامی اعتراض کردند. برنامه مبتذل صدا و سیما منفور حکومت در واقع بهانه ای بود که مردم عاصی از فقر و تبعیض و بی حقوقی به میدان بیابند و بار دیگر نفرت عمیق خود را علیه حکومت مفتخوران اسلامی بیان کنند.

استانداران رژیم در منطقه آذربایجان قبلاً اعلام کرده بودند که برگزاری هر نوع تظاهرات غیر قانونی خواهد بود و با آن مقابله خواهند کرد. اما مردم به این تهدیدها اعتنا نکردند و در ابعادی دهها هزار نفره به خیابان آمدند و علیه جمهوری اسلامی و صدا و سیما شعار دادند. آذر اکثر این تظاهرات نیروهای انتظامی و امنیتی برای مهار اعتراضات مردم با گاز اشک آور و سرکوب به سراغ مردم آمدند. مردم معترض با شعار "بیشرف، بیشرف" از نیروهای سرکوب حکومت استقبال کردند.

جمهوری اسلامی که از اعتراضات گسترده مردم غافلگیر شده بود با فرستادن عوامل حکومتی خود و تلاش برای سخنرانی در برخی از این تظاهرات، در صدد مهار و کنترل این اعتراضات برآمد که موفق نشد. در چندین جا مقامات محلی جمهوری اسلامی ناچار شدند زیر فشار اعتراضات مردم ظاهر همراهی با مردم را به خود بگیرند و از صدا و سیما خودشان انتقاد کنند!

نیروهای انتظامی حکومت اسلامی که نتوانسته بود مانع تظاهرات گسترده مردم شود، بعد از پایان تظاهرات مزدورانش را به محلاتی که تظاهرات از آنجاها شروع شده بود فرستاده و تا کنون بیش از ۳۰ نفر را دستگیر کرده اند. در حال حاضر تعداد دستگیر

شدگان در شهرهای ارومیه ۱۴ نفر، اردبیل ۱۱ نفر، مشکین شهر ۳ نفر و خوی ۴ نفر هستند.

هدف جمهوری اسلامی از برنامه های کثیفی مثل "فتیله" چیزی جز تحقیر مردم و تفرقه انداختن درمیان مردم نیست. جمهوری اسلامی از آن توده های معترضی میترسد که همین ماه گذشته در تبریز در مراسم تشییع جنازه شاهرخ زمانی، کارگر آگاه و انسان دوست و کمونیست فریاد زدند: "شاهرخ معلم ماست، راه شاهرخ راه ماست". جمهوری اسلامی میخواهد در مقابل این اعتراض انسانی و حق طلبانه، مردم زحمتکش آذربایجان را در مقابل مردم زحمتکش سایر نقاط ایران قرار دهد و به مبارزه متحد مردم علیه حکومت فاشیست سرمایه داران اسلامی ضربه بزند.

جمهوری اسلامی آشکارا میخواهد میان اتحاد مردم معترض ایران علیه خودش تفرقه بیندازد و در این میان محافل قوم پرست و ناسیونالیست ترك هم شدیداً تلاش میکنند اعتراض بر حق مردم را به تقابل مردم ترك زبان و فارس زبان تبدیل کنند. در مقابل شعار بحق مردم ترك زبان "مدرسه به زبان ترکی، حق همه است"، باندهای فاشیست ترك شعار "زبان فارس زبان سگ است" را قرار میدهند. مردم حق ابتدایی و انسانی خود را میخواهند. در مقابل، ناسیونالیستها و قوم پرستان ترك با تحريك "ترکها علیه فارسها" دقیقاً همان کاری را میکنند که جمهوری اسلامی به دنبالش است: تفرقه انداختن میان اکثریت مردم ایران علیه خود این حکومت فاشیست اسلامی!

صفحه ۶

زندانی و محاکمه کردن هم طبقه ای های جسور و حق طلب مان را نداریم و طبیعتاً عکس العمل مناسبی نیز به آن نشان خواهیم داد. \*

## از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

علیه مردم معترض در شهرهای قلعه دیزه و کلار دست به اسلحه برد و مردم را قتل عام کرد و هم علیه دیگر جریانات سیاسی اقداماتی سرکوبگرانه را شروع کرد و از جمله اخراج رئیس پارلمان اقلیم و وزرای جنبش گوران از پارلمان، بستن دفاتر آن ارتی در اربیل و دهوک و دهها اقدام سرکوبگرانه دیگر از این نوع، اما آیا با این طرح و از این پس حزب دمکرات به قول خودشان دست از جنگ تبلیغاتی بر می دارند یا نه؟ کارنامه ۲۴ ساله این حزب نشان داده که هرگاه منافعش به خطر افتاده و یا در تقسیم قدرت میان جریانات مذهبی و ناسیونالیستی به نفعش نبوده، با تکیه به زور و ملیشای نظامیش از هیچ جنایتی دریغ نکرده است. اظهارات فقهی نه تلاشی از جانب اینان برای نشان دادن "صلح طلب" بودن حزب دمکرات، بلکه تحت فشارهای داخلی و بین المللی است که اینها در روز روشن کلیه قوانین خود را نیز زیر پا گذاشتند و پارلمان کارتونی خود را منحل کردند.

## اعتراض فدراسیون روزنامه نگاران به حکومت اقلیم!

اخیرا فدراسیون روزنامه نگاران طی بیانیه ای بستن دفتر کانال ان ارتی در شهرهای اربیل و دهوک توسط نیروهای آسایش وابسته به حزب دمکرات کردستان را محکوم کرده اند و خواهان بازگشایی هر چه سریعتر این دفاتر شده اند. این فدراسیون اعلام کرده که بستن دفاتر آن ارتی بدون دستور داگاه بوده و از حکومت اقلیم می خواهد آزادی بیان را برسمیت بشناسد. گفتنی است که پیشتر بیش از هزار نفر از فعالین سیاسی و روزنامه نگاران با امضای

بیانیه ای خواهان بازگشایی دفاتر آن ارتی شده بودند. لازم به ذکر است که ترور، زندان، شکنجه، تیر اندازی به مردم معترض، ربودن فعالین سیاسی و اجتماعی و بستن دفاتر روزنامه و تلویزیونها بخشی جدائی ناپذیر از حاکمیت گنبدیده و مافیائی نیروهای تشکیل دهنده حکومت اقلیم کردستان در ۲۴ سال گذشته بوده است. امروز گرچه حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی متهم اصلی است و برای سرکوب مخالفین خود از هیچ جنایتی فروگذار نمیکند، اما بقیه احزاب تشکیل دهنده حکومت نیز دست کمی از اینها ندارند و هر کدام کارنامه سیاهی از حمله و تعرض به حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی مردم را زیر بغل دارند.

## اظهارات عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی در باره پست مسعود بارزانی!

روز پنجم نوامبر جعفر شیخ مصطفی عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی در باره وضعیت مسعود بارزانی بعنوان رئیس اقلیم کردستان اعلام کرد که: "همه جریانات راضی هستیم و بسیار هم ممنونیم که بارزانی برای دو سال دیگر با همه اختیاراتش در پست خود بماند". این اظهارات عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی در حالی اعلام می شود که زمان صدارت مسعود بارزانی از روز ۱۹ اگوست به بعد به پایان رسیده و اختلافات احزاب حاکم بر سر چگونگی ریاست او و یا انتخاب رئیس جدید و با وجود برگزاری دهها جلسه تا هم اکنون به جای نرسیده است. این اختلافات در یک ماه گذشته به جایی رسید که حزب دمکرات قلدرمنشانه وزرای جنبش گوران را از پارلمان اخراج کرد و خود

بارزانی هم با وجود اتمام دوره ده ساله ریاست خود هنوز هم حاضر نشده که این پست را واگذار کند. بهرحال احزاب قومی مذهبی حاکم دیر یا زود به توافق خواهند رسید و باز هم به دزدی و چپاول خود ادامه خواهند داد اما تنها راه خلاصی از چنین احزابی، اعتراض و مبارزه متحدانه مردمی است که پیش از ۲۴ سال است که تجربه حکومت "خودی" و احزاب قومی مذهبی را دارند و جز فقر و فلاکت، گرانی و بیکاری، جنگ و آوارگی چیزی نصیبشان نشده است.

## چند روز بارندگی مداوم خسارات زیادی را به بار آورد!

طبق اخبار منتشر شده، طی چند روز گذشته باران و سیل مناطق زیادی از اقلیم کردستان را فرا گرفت و خسارات زیادی به مردم وارد کرد. در بعضی مناطق و از جمله شهر کلار حالت فوق العاده اعلام شده است. همچنین روز نهم نوامبر در یکی از روستاهای منطقه کفری سیل مرد شصت ساله ای را با خود می برد و چند ساعت بعد مردم جنازه او را پیدا می کنند. آخرین خبرها حاکیست سیل بسیاری از راههای عبور و مرور را مسدود کرده و به همین خاطر مردم زیادی با مشکل عبور و مرور در بین شهرها مواجه شده اند.

## دانشجویان دانشگاه شهر سلیمانیه دست به اعتراض زدند!

روز هشتم نوامبر بخشی از دانشجویان دانشگاه شهر سلیمانیه در اعتراض به تصمیم رئیس این دانشگاه مبنی بر ممنوع کردن ماشین دانشجویان در محوطه دانشگاه دست به اعتراض زدند و برای مدتی درب اصلی دانشگاه را بستند.

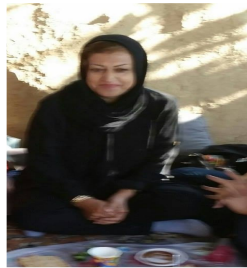
\* \* \*

## از صفحه ۵ تحقیر و توهین فاشیستی ...

و مردم زحمتکش ترک زبان و فارس زبان و کرد و عرب زبان یک دشمن مشترک دارند و آن هم حکومت سرمایه داران اسلامی، حکومت آیت الله های میلیاردی است. حکومتی که شیره جان کارگران منتسب به

سراسر کشور میخواد که سیاست فاشیستی جمهوری اسلامی را محکوم کند و فعالانه از اعتراض بحق مردم در شهرهای آذربایجان دفاع کند و با اینکار هم صفوف خود را علیه جمهوری اسلامی فشرده تر کنند و هم فاشیست های ترک را هرچه بیشتر منزوی کنند.

## صبری آشناگر یکی دیگر از فعالین شهر سنندج از میان ما رفت



مردم سنندج به دنبال مرگ نابهنگام کوروش بخشنده یکی دیگر از فعالین با سابقه خود (صبری آشناگر) را از دست دادند.

با تاسف فراوان هم اکنون خیر مرگ نابهنگام صبری آشناگر را دریافت کردیم. صبری آشناگر یکی از فعالین سیاسی با سابقه شهر سنندج بود. او یکی از سازماندهندگان و شرکت کننده در راهپیمائی تاریخی مردم سنندج بطرف مریوان و یکی از فعالین بنکه های شهر سنندج بعد از انقلاب ۵۷ بود.

او در برگزاری مراسمهای روز جهانی کارگر و روز جهانی زن همیشه نقش برجسته و قابل توجهی داشت. یکی از فعالین جنبش برابری طلبانه زنان بود که تجربیات و ابتکاراتش سرمشق بسیاری از جوانان شهر سنندج قرار گرفت.

بامداد امروز ۱۵ آبان ۱۳۹۴ بعد از پیوند کلیه در یک بیمارستان در تهران، متاسفانه

بدنش پیوند کلیه را پس زد و قلب پر از امیدش برای همیشه از تپش باز ایستاد. هم اکنون صبری آشناگر جنازه اش در تهران در پزشکی قانونی است. به احتمال زیاد امشب یا فردا بستگان صبری جنازه اش را به سنندج منتقل میکنند. او دو دختر دارد که همیشه و همه جا یار و همراه مادرشان بودند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مرگ نابهنگام صبری آشناگر، این چهره محبوب و با سابقه مردم سنندج را به خانواده و بستگانش و به همه فعالین آزادی زن تسلیت میگوید. مرگ عزیزانی مانند کوروش بخشنده و صبری آشناگر و شاهرخ زمانی و... ضایعه ای بزرگ برای جنبش رهایی و برابری طلبانه مردم ایران است. اما تجربه تا کنونی نشان داده است، با مرگ هرکدام از این عزیزان صدها و هزاران انسان برابری طلب با برافراشتن پرچم سرخ و با سر داد سرود رهایی انسان (سرود انترناسیونال) راه آنها را پر رهرو کرده اند.

یادشان عزیز و گرامی باد! کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آبان ۹۴

۶ نوامبر ۲۰۱۵

برابر و آزاد دفاع کنیم، انسانهایی که میتوانند و باید در کنار هم و با برخورداری از رفاه و آزادی و حرمت انسانی زندگی کنند. ایران آینده غیر مذهبی و غیر قومی و تحت حاکمیت شهروندان متساوی الحقوق خواهد بود.

زنده باد مبارزه متحد کارگران و مردم زحمتکش سراسر ایران علیه جمهوری اسلامی

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ آبان ۹۴

۹ نوامبر ۲۰۱۵

تنها راه رهایی مردم آذربایجان از تبعیض و تحقیر و توهین نژادپرستانه نابودی حکومت فاشیست اسلامی است که تبعیض علیه مردم به بهانه و به نام ملیت و قومیت و نژاد و جنیست و مذهب رکن آن است. در مقابل سیاستهای فاشیستی رژیم باید اعلام کنیم که همه کارگران، همه جوانان و زنان و همه مردم ایران شهروندان آزاد و برابر هستند. در مقابل فاشیسم و نژادپرستی جمهوری اسلامی و باندهای قوم پرست ترک باید از حق همه شهروندان به عنوان انسانهای

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!